

## بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش - 19 / بهمن / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به شما عزیزان، برادران، جوانان، و تبریک عرض میکنیم این ایام متبرک و پرخاطره را؛ هم عید شریف میلاد پیامبر مکرّم و امام صادق (علیهما السلام)، هم بیست و دوی بهمن، و هم نوزدهم بهمن، که یک خاطره‌ی فراموش نشدنی و یک نقطه‌ی درخشان در اوراق نورانی ایام انقلاب محسوب میشود.

بزرگداشت نوزده بهمن که ما اصرار داریم هر سال این بزرگداشت صورت بگیرد و در این سالهای متمادی در چنین روزی ما با عزیزان نیروی هوایی دیدار کردیم و شنیدیم و گفتیم، فقط به منظور زنده نگهداشتن یک خاطره نیست - اگرچه خود زنده نگهداشتن خاطرات گرامی و باشکوه، یک ارزش است - آنچه برای ما مهم است، دو نکته‌ی دیگر است: یکی درس گرفتن و عبرت گرفتن از گذشته است. وقتی ما مثلاً خاطره‌ی نوزدهم بهمن را مرور میکنیم، یک درسی از این حادثه فرا میگیریم؛ آن درس، درس اقدام، ابتکار، ایستادگی، کار بهنگام و تأثیر آن در حرکت جامعه و کشور است؛ این یک عبرت شد. درست است که بدنه‌ی ارتش دوران قبل از انقلاب، بدنه‌ی طاغوتی نبود؛ سران طاغوتی بودند، بدنه جزو ملت بودند؛ این چیز روشنی است، برای ما از اول روشن بود، برای مردم هم در طول سالهای متمادی واضح و روشن شد؛ لیکن بروز این مردمی بودن، نقش آفرینی در عرصه‌ی حرکت مردمی، یک چیز دیگر است. این نمیشد، مگر آن وقتی که از درون ارتش یک حرکتی که برجسته باشد، چشم‌نواز باشد، چشمگیر باشد، به وقوع بپیوندد؛ و نوزده بهمن این کار را انجام داد.

شما امروز وقتی به حادثه‌ی نوزده بهمن نگاه کنید، ممکن است اهمیت آن حادثه خیلی به چشم نیاید؛ ولی ما که آن روز بودیم، بنده که آن روز خودم ناظر این جریان بودم و در مدرسه‌ی علوی در جمع برادران نیروی هوایی حضور پیدا کردم و حرکت شجاعانه‌ی آنها را دیدم، احساس من و احساس افرادی از قبیل من که آن اوضاع را دیدند، احساس دیگری است. حادثه‌ی نوزده بهمن یک خطشکنی بزرگ بود، یک کار عظیم بود. افسر، درجه‌دار و همافر بیابند، علناً و با صراحت با انقلاب هم‌آوائی کنند و نگاه کنند تو چشم نگهبانان رژیم طاغوت و به آنها «نه» بگویند؛ این خیلی کار بزرگی بود. این اقدام اثر خودش را بخشید. یک اقدام بجا و بهنگام کاری کرد که احساسات خفته و بدون تظاهر، آن کار را نمیتوانست انجام بدهد. در همه‌ی عرصه‌ها و زمینه‌ها، اقدام و ابتکار، یک چنین اثری دارد. آن روز میدان و عرصه، آن میدان بود؛ در دوران جنگ، عرصه، عرصه‌ی دیگری بود؛ امروز عرصه، عرصه‌ی دیگری است. در هر برهه‌ای، در هر میدان و عرصه‌ای، حضور بهنگام، کار بهنگام، اقدام بموقع، میتواند چنان اثر بزرگی را داشته باشد. این یک.

دوم: ما از این حادثه درس بگیریم برای آینده؛ در گذشته متوقف نشویم. یکی از آفات اجتماعات و مجموعه‌ها و ملتها و گروه‌ها، متوقف ماندن در افتخارات گذشته است. هی افتخارات گذشته را به یاد خودمان بیاوریم، به آنها ببالیم، اما متناسب با آنها، در زمان حاضر، در حال، حرکتی انجام ندهیم. البته امروز نیروی هوایی و ارتش ما با آن روز قابل مقایسه نیست؛ زمین تا آسمان تفاوت پیدا کرده است. کارهای بزرگی انجام گرفته، کارهای ماندگاری انجام گرفته - در این شکی نیست - لیکن به آینده نگاه کنید. آینده، آینده‌ی مهمی است؛ آینده‌ی خطیری است. یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار. با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمیشود به اهداف عالی دست پیدا کرد. اینکه می‌بینید جامعه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال - دویست سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه‌ی ما داریم میخوریم، این به خاطر غفلتها بود. در اینجا، در منطقه‌ی غربی ما، در مناطق دیگر

اسلامی، کبکبه‌ی ظاهری حکومتها بود، اما حرکت متناسب با زمان و آینده نبود. دیگران علم آموختند، تجربه آموختند، فناوری آموختند، حرکت خودشان را برای فتح دنیا آغاز کردند؛ ما در شبکه‌ی صید آنها قرار گرفتیم، همه چیزمان را از دست دادیم. منظورم از «ما» فقط ایران نیست؛ ایران، کشورهای منطقه، کشورهای شمال آفریقا، کشورهای شرقی ما؛ همه‌ی منطقه‌ی اسلامی دچار غفلت شدیم. این غافل شدن، به دبدبه و کبکبه‌ی ظاهری دل خوش کردن، به فکر حرکت کردن نبودن، به فکر ساختن آینده نبودن، اینجور ضررهائی را دارد.

البته وقتی ملتها بیدار شدند، این بیداری به دنبال خودش، به طور خودکار تحرکاتی را می‌آورد؛ منتها سرعت و بُطی دارد. این حرکتها میتواند حرکتهای سریع و کارآمد و خوبی باشد که از متوسط سرعت دنیا پیشی بگیرد، میتواند حرکتهای بطیئی باشد که باز به دیگران نرسیم؛ چون دیگران هم که بیکار نیستند. ما داریم کار میکنیم، تلاش میکنیم، همت میکنیم، میسازیم. مگر دیگران این کار را نمیکند؟ دیگران هم در جبهه‌ی مقابل ما دارند همت میکنند، میسازند، تلاش میکنند. ما باید کاری کنیم که سرجمع تلاشهای ما شتابی به ما بدهد که از شتاب جبهه‌ی مقابلمان بیشتر باشد؛ آن وقت میتوانیم به آینده امیدوار باشیم.

این توصیه‌ی همیشگی من است به همه‌ی جوانان این کشور، و امروز به شما عزیزان نیروی هوائی و به همه‌ی ارتش و به همه‌ی نیروهای مسلح. هم در سازماندهی، هم در ساخت ابزار و تجهیزات و قطعات، هم در آموزش، هم در تربیت اخلاقی و تقویت آن عامل اصلی معنوی باید تلاش را مضاعف کنید. همه باید تلاش را مضاعف کنند؛ دولت، مسئولین، بخشهای مختلف کشور، از جمله نیروهای مسلح که یک بدنه‌ی عظیمی از اندامهای مؤثر کشور را تشکیل میدهند. این تلاشها بایستی تلاشهای هدفدار و پرمغز و پرمایه‌ای باشد.

خوشبختانه امروز حقانیت حرکت جمهوری اسلامی آشکار شده. شما می‌بینید شعارهائی که تا دیروز ملت ایران بر زبان جاری میکرد، امروز در کل این منطقه همه‌گیر شده است. کشورهائی که جزو دنباله‌روان و پیاده‌نظامهای حقیر جبهه‌ی استکبار بودند، امروز به همت مردمشان جزو نیروهای ترقی‌خواه در کنار ملت ایران قرار دارند؛ همان هدفها را دنبال میکنند، همان شعارها را میدهند؛ این پیشرفت شماست؛ این معنایش این است که ملت ایران توانسته است در طول سه دهه برای خود یاورانی، همراهانی، همگامانی پیدا کند. ما نمیگوئیم این حرکتها را ما به وجود آوردیم؛ این حرف منطقی نیست؛ اما منطقی هم نیست که بگوئیم بیداری یک ملت با این هیاهوی عظیمی که این بیداری در طول این سه دهه ایجاد کرده، تأثیری در بیداری دیگران نداشته؛ این هم منطقی نیست، این هم کاملاً مسلم است. امروز هم در دنیا تحلیلهای و تفسیرها همه‌اش همین است؛ میگویند اینجا مادر بیداری و حرکت اسلامی بود. همین روزها در تحلیلهای تحلیلگران خارجی که در مطبوعات و رسانه‌ها و سایتهای گوناگون خبری منعکس میشود، روی همین معنا تکیه میشود. این، حقانیت حرکت ما را نشان میدهد.

حرکت نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و انقلابی که این حرکت را به وجود آورد، به سمت یک هویت حقیقی ماندگار مستحکم قابل دوام و دفاع در مقابل تهاجمهاست؛ هویت اسلامی، اتکاء به خدای متعال، احساس عزت از مسلمان بودن، تکیه‌ی بر ظرفیتهای و نیروهائی که خدای متعال به ما بخشیده است - چه نیروهای شخصی یک یک ما، چه نیروهای عظیم جمعی ملی، چه نیروهای انسانی و چه نیروهای طبیعی ما - و فراخوانی دنیا به سمت ارزشهای معنوی.

دنیا از غرق شدن در مادیگری سودی نبرد؛ دنیا از رواج دادن آزادی‌های جنسی سودی نبرد؛ بشریت از آنچه که حرکتهای مادی در اروپا به وجود آوردند - رهائی از معنویت، رهائی از قیود الهی - سودی نبرد؛ نه عدالت را تأمین کرد، نه رفاه عمومی را تأمین کرد، نه امنیت را تأمین کرد، نه خانواده را حفظ کرد، نه توانست تربیت نسلهای بعدی

را بدرستی انجام دهد؛ در همه‌ی اینها ضرر کردند. بله، يك عده‌ای کمپانی‌دارها، بانکدارها و سازندگان سلاح به آلف و الوف دست پیدا کردند - اینها بود - اما تمدن مادی غرب دستاورد بشری نداشت، دستاورد انسانی نداشت؛ خودشان را خوشبخت نکردند، جوامعی را هم که در زیر سایه‌ی اینها و با تقلید از اینها زندگی کردند، خوشبخت نکردند.

پیام انقلاب اسلامی، پیام رهائی از این حرکت بدبختی‌زا و فلاکت‌آور است. توجه به معنویت، توجه به اخلاق الهی، در عین حال پرداختن به نیازهای بشری؛ همان چیزی که در اسلام هست؛ حد متوسط. نه افراط کلیساهای کاتولیکی و ارتدوکسی و سختگیری‌های غلط، نه ولنگاری‌هایی که نقطه‌ی مقابل آن در جوامع غربی بر اثر حرکت مادی‌شان به وجود آمد؛ هیچکدام از اینها درست نیست؛ هر دو غلط است. خط اسلام، خط میانه است؛ خط عدالت است. عدالت يك معنای فراگیر و شاملی دارد. در همه‌ی زمینه‌ها عدالت - یعنی هر چیز را به جای خود نهادن - باید مد نظر باشد؛ خط متوسط انسانی؛ «و كذلك جعلناكم امةً وسطا لتكونوا شهداء على الناس». (1)

امروز ملت ایران جزو پیشروان این حرکت است. جامعه‌سازی میکنیم، نظام‌سازی میکنیم، حرکت عمومی و مردمی داریم. سی و سه سال از انقلاب میگذرد. در هیچ جای دنیا جشن یادبود و سالگرد انقلاب، اینجور مردمی نیست. این تنها انقلاب ماست که در هر بیست و دوی بهمنی، جشن را مردم میگیرند. در سرتاسر کشور میلیونها انسان به خیابانها می‌آیند، تظاهرات میکنند، شعار میدهند؛ این در هیچ انقلابی وجود نداشته. انقلابهای بزرگی بوده؛ بعضی از اینها را ما در زمان خودمان شاهد قضایایش بودیم، بعضی‌ها را هم در تاریخ خواندیم: سالگرد انقلابها بیایند، چند نفر آنجا بایستند، يك گروهی هم جلویشان رژه بروند، سلام نظامی بدهند. سالگرد انقلابها اینجوری برگزار میشد. يك جشنی بگیرند، يك عده‌ای دعوت بشوند، بخورند و بنوشند. برگزاری سالگرد انقلاب به وسیله‌ی خود مردم، مخصوص انقلاب اسلامی است. بیست و دوی بهمن هر سال، در آن سرماهای گوناگون، گاهی برف، گاهی یخبندان، گاهی هوای سرد سوزنده، مردم آمدند توی میدان؛ امسال هم به توفیق الهی، با هدایت الهی، با دست قدرت الهی، خواهید دید که باز مردم به میدان می‌آیند. این حرکت، حرکت مردمی است؛ و این به توفیق الهی ادامه دارد. حرکت عمومی است در کشور، و نیروهای مسلح يك بخش عمده‌ای از این حرکت مردمی را برعهده دارند.

من به همه‌ی جوانهای عزیزمان در نیروهای مسلح، در نیروی هوائی سفارش میکنم که به خودسازی بپردازند، به تربیت معنوی خود بپردازند؛ سطح آموزشها را، سطح سازماندهی را، انضباط را، آگاهی‌ها را، برادری و مهربانی در بین رده‌های مختلف را هرچه میتوانند، تقویت کنند؛ اینها نشانه‌های ارتش اسلامی و دینی است. انضباط هست، برادری بین رده‌های مختلف هم هست؛ انضباط هست، رقابت مثبت بین رسته‌های گوناگون و بخشهای مختلف - فنی، پشتیبانی، رزمی - وجود دارد، اما با روح برادری، همکاری، هم‌افزائی و صمیمیت؛ این آن خصوصیات يك مجموعه‌ی نظامی اسلامی است. و از همه بالاتر، روحیه‌ی آمادگی و فداکاری است؛ که این آن چیزی است که دیگر هیچ کس از جبهه‌ی دشمنان شما آن را ندارد. جوانهای ما در دوره‌ی جنگ هم این را عملاً نشان دادند؛ بعد از جنگ هم تا امروز در هر جائی که لازم شده، این را ارائه کردند و نشان دادند. آنها حاضرند جانشان را کف دست بگیرند، بیایند وسط میدان؛ این آن چیزی است که خیلی ارزش دارد. این روحیه‌ی فداکاری و ایستادگی و حساب کردن پای خدا را حفظ کنید؛ پاکیزگی و طهارت و تقوای معنوی را روزه‌روز افزایش دهید؛ ان‌شاءالله خدای متعال هم از همه جهت به شما کمک خواهد کرد.

از خدای متعال میخواهیم ان‌شاءالله مسئولان نیروی هوائی، کارکنان نیروی هوائی، خانواده‌های محترمشان و فرزندانشان و همسرانشان را مشمول تفضلات خودش قرار بدهد و توفیق بدهد که در هر بخشی از بخشهای این سازمان مهم و عظیم و تعیین‌کننده، افراد بتوانند وظائفشان را به بهترین وجهی ایفاء کنند.

والسّلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(1) بقره: 143